

بررسی‌های «فرهیختگان» نشان می‌دهد حدود ۱۰۰ کرسی انتخاباتی مجلس در حوزه‌های غیرتهران به شکل جدی رقابتی است

فراکسیون اقلیت قوی در راه است؟



زهرا طیبی

خبرنگار گروه نقد روز

در چندروز اخیر اگرچه لیست‌های انتخاباتی در تهران و حواشی پس از آن در صدر اخبار سیاسی کشور قرار گرفت، اما با نگاهی به فیلم‌هایی که این روزها از حال‌وهوای انتخاباتی بعضی ستادها در شهرستان‌ها منتشر شده و جمعیتی که در این ستادهای انتخاباتی حاضر شدند، می‌توان گفت حداقل برخی شهرها در موعد تبلیغات نامزدها شور و شوق انتخاباتی پیدا کرده‌اند. البته حضور داوطلبان از احزاب مختلف در شکل‌گیری این رقابت و ایجاد شور و شوق انتخاباتی تاثیر قابل توجهی دارد. اصلاح‌طلبان معتدل، از همان روزهای آغاز فضای انتخاباتی این موضوع را مطرح می‌کردند که تمرکز آنها روی ارائه لیست و ورود به کارزار انتخاباتی در شهرستان‌ها خواهد بود. حالا و در کمتر از یک هفته مانده تا انتخابات علی‌رغم اینکه اصلاح‌طلبان تنها به حمایت ضمنی از لیست صدای ملت مطهری اکتفا کردند اما لیست‌هایی از نامزدهای مورد حمایت خود در شهرستان‌ها منتشر کرده‌اند. از همین‌رو به نظر می‌رسد فضای رقابتی در برخی از شهرهای بزرگ داغ‌تر از پایتخت باشد و برای کرسی‌های غیرتهرانی مجلس یازدهم حساب ویژه‌ای باز شده است.

نخواستیم اصلاحات ائتلاف جدید داشته باشد چند لیست دادیم

ارائه لیست اصلاح‌طلبان معتدل در شهرها در شرایطی اتفاق افتاد که جبهه پیش از این اعلام کرده بود که از نامزدی نه در تهران و نه شهرستان‌ها حمایت نخواهد کرد. اما احزاب اصلاح‌طلب معتدل هر یک مجزالیستی منتشر کردند. این امر در ادامه بیانیه، روزنه‌گشایی و دفاع آنها از مشارکت در انتخابات و مخالفت با تحریم تعریف می‌شود. اصلاح‌طلبان معتدل البته تلاش کردند تا سطح تنش‌ها و اختلافات با جبهه اصلاحات را کنترل کنند. بر همین مبنا نیز احزاب اصلاح‌طلب مثل اعتماد ملی، ندای ایرانیان، کارگزاران هر یک لیست مجزایی منتشر کردند که البته اسامی بیشتر آنها با یکدیگر مشترک است. بر مبنای کسب اطلاعاتی که خبرنگار «فرهیختگان» داشته این امر از آن جهت صورت گرفته که اگر این احزاب با یکدیگر ائتلاف می‌کردند به معنای تشکیل ائتلاف تازه و جدیدی مجزای از جبهه بود، از این جهت هر یک از احزاب اصلاح‌طلب لیست مجزایی منتشر کردند. در همین راستا، حزب ندای ایرانیان نزدیک به ۷۳ نامزد در کل کشور و حزب اعتماد ملی نزدیک به ۵۴ نامزد در کل کشور معرفی کرده است. این امر در کنار حضور و مشارکت اصولگرایان در انتخابات تا حدی ضلع دیگر رقابت در شهرستان‌ها را تکمیل می‌کند و در سایه فضای باز انتخاباتی که این بار از جانب شورای نگهبان در مورد تأیید صلاحیت‌ها شکل گرفت، فضای انتخاباتی در شهرستان‌ها و با حضور این کاندیدها رقابتی‌تر خواهد بود. البته در کنار رقابت نامزدهای اصلاح‌طلب و اصولگرا در شهرستان‌ها طیفی دیگر از نامزدهایی وجود دارند که به صورت مستقل در انتخابات شرکت کرده‌اند که البته با نگاهی به دوره‌های گذشته اقبال خوبی برای رای‌آوری و ورود به مجلس داشتند. براین اساس مستقل‌ها هم ضلع دیگر رقابت‌ها در شهرستان‌ها را تشکیل می‌دهند. در نگاه کلی حضور احزاب اصلاح‌طلب و رقابت با میانگین ۵۰ کرسی در کل کشور با اصولگرایان حداقل در مقایسه با تهران، تنور انتخابات مجلس در شهرستان‌ها را گرم کرده و در ادامه نیز تصاحب کرسی از جانب آنها می‌تواند روند متفاوت‌تری از مجلس یازدهم در چهارسال آینده رقم بزند.

اصولگراها در شهرستان‌ها نیز چند لیستی آمدند

در تهران، بعد از ارائه لیست‌ها از جانب اصولگرایان تاکنون نزدیک به سه لیست رسمی منتشر شده است. این اتفاق در کنش انتخاباتی



شهر	حزب/ تعداد کاندیدا	تعداد کاندیدای مشترک
تبریز	اعتماد ملی ۷/ندای ایرانیان ۸	۷ نامزد مشترک
مشهد	اعتماد ملی ۵/ندای ایرانیان ۶	۴ نامزد مشترک
کرمان	اعتماد ملی ۸/ندای ایرانیان ۹	۸ نامزد مشترک
خوزستان	اعتماد ملی ۱/ندای ایرانیان ۴	۱ نامزد مشترک
گیلان	اعتماد ملی ۴/ندای ایرانیان ۳	۳ نامزد مشترک
مازندران	اعتماد ملی ۸/ندای ایرانیان ۱۰	۷ نامزد مشترک
هرمزگان	اعتماد ملی ۱/ندای ایرانیان ۱	-
همدان	اعتماد ملی ۱/ندای ایرانیان ۱	۱ نامزد مشترک
یزد	اعتماد ملی ۱/ندای ایرانیان ۲	۱ نامزد مشترک
لرستان	اعتماد ملی ۲/ندای ایرانیان ۲	۱ نامزد مشترک
کهگیلویه و بویر احمد	اعتماد ملی ۲/ندای ایرانیان ۲	۲ نامزد مشترک
کرمانشاه	اعتماد ملی ۱/ندای ایرانیان ۱	۱ نامزد مشترک
کردستان	اعتماد ملی، لیست ندارد/ ندای ایرانیان ۳	-
قزوین	اعتماد ملی ۲/ندای ایرانیان ۲	۲ نامزد مشترک
سمنان	اعتماد ملی -/ندای ایرانیان ۲	-
زنجان	اعتماد ملی ۱/ندای ایرانیان ۱	۱ نامزد مشترک
خراسان شمالی	اعتماد ملی ۲/ندای ایرانیان ۳	۲ نامزد مشترک
خراسان جنوبی	اعتماد ملی -/ندای ایرانیان ۲	-
بوشهر	اعتماد ملی ۱/ندای ایرانیان ۱	۱ نامزد مشترک
ایلام	اعتماد ملی ۲/ندای ایرانیان ۱	۱ نامزد مشترک
البرز	اعتماد ملی -/ندای ایرانیان ۲	-
اردبیل	اعتماد ملی ۱/ندای ایرانیان ۱	۱ نامزد مشترک
آذربایجان غربی	اعتماد ملی ۱/ندای ایرانیان ۱	۱ نامزد مشترک
مجموع	۱۲۷	۴۵ نامزد مشترک

اصولگرایان در شهرستان‌ها نیز اتفاق افتاده و هر یک از احزاب اصولگرا، لیست مجزایی منتشر کرده و از کاندیداهای خود حمایت کردند. البته در میان این لیست‌ها نام‌های مشترک در هر لیست دیده می‌شود. در

انتخابات در ایران؛ دردسر قانونی یا نشاط سیاسی

لزوم بازطراحی نهادی حکمرانی انتخابات



سید محمدصادق امامیان

عضو هیات علمی دانشگاه امریکبیر

نهاد انتخابات در ساختارهای حکمرانی دنیا علاوه بر جایگاه نمادین خود به عنوان نماد دموکراسی، فرصتی برای تبادل صلح‌آمیز قدرت، نمایشگاهی برای عرضه افکار جدید سیاسی، فرصتی برای حفظ جریان انسانی و پوست‌اندازی عرصه سیاست‌ورزی، مسئول ناوآوری‌های سیاسی و محلی برای ارزیابی واقعی عملکرد جریان سیاسی مستقر محسوب می‌شود. از این رو با استفاده از تشابه بازه‌های چهارساله برگزاری، انتخابات را می‌توان به «جام جهانی سیاست» تعبیر کرد که منعابخش روزمرگی‌ها، الهام‌بخش فعالان و حیات‌بخش سیاست‌ورزی در سطح عمومی جوامع مدرن است. در جمهوری اسلامی ایران رهبران انقلاب همواره از این نهاد کارکرد تحکیم مجدد پایه‌های ساختار سیاسی و ارتقای مشروعیت داخلی و بین‌المللی نظام و نوعی حचित‌شرعی استفاده‌نظام اسلامی راهم انتظار داشته‌اند. با وجود این مانند بسیاری از امور فرابخشی کشور، عملاً اقامه انتخابات به‌مثابه یک نهاد مهم حکمرانی سیاسی «در کشور بدون متولی رها شده است. از منظر شورای نگهبان، انتخابات «مسأله‌ای حقوقی و فقهی» است که هر دوسال یک‌بار مزارح وقت فقهای معظم و حقوق‌دانان برجسته آن می‌شود که به‌ناچار و از باب وجوب حل معضل جامعه اسلامی به آن می‌پردازند. دوسال پیش و در کشاکش انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰، به‌تفصیل به تعارض نهادی موجود در ساختار و ترکیب فقهی – حقوقی شورای نگهبان برای محوریت بزرگ‌ترین اتفاق سیاسی کشور اشاره کرده بودم. از منظر دولت مستقر و وزارت‌های کشور متبوع دولت‌های مختلف، انتخابات در بهترین حالت خود یک «مسئولیت اداری» محسوب می‌شود که باید فقط «اجرا» شود، حتی با فرض احتمال تغییر سیاسی و تزلزل جایگاه جریان مستقر، برگزاری انتخابات به‌مثابه اجرای مراسم تدفین سیاسی دولت مستقر توسط همان دولت، به «ردسری قانونی» برعهده دستگاه اجرایی تبدیل می‌شود. نهادهای امنیتی هم قاعدتاً انتخابات را به‌ذاته یک دردسر امنیتی می‌بینند که باید بی‌غذغ و بی‌حاشیه از سرگذرانده شود. رسانه ملی هم هرچند به‌اکراه آنتن خود را بر چهره‌های متنوع‌التصویر و ارائه تصاویر واقعی‌تر از تنوع جامعه ایرانی باز می‌کند، پس از صوت پایان انتخابات، یک‌شنبه به سیاق سابق خود برمی‌گردد. در واقع نظام سیاسی کشور سال‌هاست به‌وضوح از خلتان‌ه‌ادی در تعیین مرکز مسئولیت حکمرانی انتخابات زنج می‌برد و هرچند نهاد‌های متعددی مسئول نظارت و تحدید انتخابات‌اند، (ارتقا و توسعه کارکرد سیاسی – اجتماعی آن

در نظام حکمرانی کشور – با شاخص‌هایی مثل افزایش مشارکت و افزایش کیفیت حکمرانان سیاسی کشور – مسأله هیچ دستگاو نهادی نیست. «انتخابات در ایران قابل تشبیه به اسبی اصلتا راهور است که ضمن آنکه همه از آن سواری می‌گیرند، هیچ‌کس متولی تیمار و حفظ و ارتقای سلامت آن نیست و شاید استثنای همیشگی این رویکرد، تنها رهبران انقلاب بوده‌اند. از منظر اجتماعی هم طبیعتاً بازماندگان از رقابت انتخاباتی به واسطه در صلاحیت‌شورا، به مصداق دیگی که برای ایشان نجوشد، مایلند که اساساً نجوشد. برای درشدگان از این فیلتر پر هزینه هم که در ساخت سیاسی غیرحزبی فعلی به ناچار غالباً جریان‌ات سیاسی خلق‌الساعه، لیست‌های یک‌شبه و یزند‌های سیاسی یک‌بار مصرف انتخاباتی هستند هم نهاد انتخابات زردبانی را ماند که باید از آن بالاتر و بعد با هدف بستن مسیر رقبا، می‌توان از شر آن رها شد. جریان معارض و برانداز سیاسی هم به طریق اولی سال‌هاست آشکارا خواستار مرگ کامل این نهاد برای استناد به عدم مشروعیت کل نظام سیاسی است. طرفه آنکه جریان انقلابی هم همواره انتخابات را «مقطعی حساس و میدان جنگی دیگر فهمیده است که باید از آن حتی به قیمت ویرانی شهر

و کاشانه خود بیوز بیرون آمد. در یک نگاه، انتخابات به محل اجماع کم‌ظنری مبدل شده است که در «توافقی ناوشته» بین تمام ذی‌ربطان موضوع، همه در لزوم «اضمحلال نهادی» و «مرگ سیاسی» آن متفقند. چه باید کرد؟ – تمرکز تکنیکی: در کوتاه‌مدت و بدون تغییر ترتیبات نهادی فعلی، ایجاد نهادی تخصصی به عنوان «مرکز مسئولیت افزایش مشارکت انتخاباتی» می‌تواند با تجمیع همه ظرفیت‌های فعلی حاکمیت، «حداقلی از تغییر» راد میزان مشارکت محقق کند. استفاده از دسترسی‌های وسیع انسانی در اختیار حاکمیت مثل آموزش و پرورش، مستخدمان و بازنشستگان دولت، شبکه نهاد‌های حرفه‌ای و اجتماعی دارای مجوز، مرتبطان و منتفعان نهاد‌های بازنوعی و رفاهی و شبکه فعالان انقلابی و مذهبی برای درگیر کردن مستقیم اعضای این شبکه‌ها و استفاده‌از آنها به‌عنوان «واسطه‌های انتخاباتی»، از جمله دست‌یافتنی‌ترین ابزارهای حاکمیت برای توسعه مشارکت در انتخاباتی است. ابزارهای رسانه‌ای و تبلیغی مثل مناظرات سرلیستان و کارناوال‌ها و تبلیغات خیابانی هم تا حدودی قابلیت تزریق فضای انتخاباتی را در چند روز و آخر دارند. ابزارهایی که در دوره‌های اخیر، نشانه‌ای از

بررسی‌های «فرهیختگان» نشان می‌دهد حدود ۱۰۰ کرسی انتخاباتی مجلس در حوزه‌های غیرتهران به شکل جدی رقابتی است

فراکسیون اقلیت قوی در راه است؟

انقلاب است و لیستی نیز از جانب حزب مؤتلفه است. در شهر شیراز، شورای وحدت اسامی چهار نفر از کاندیدها را منتشر کرده و شورای ائتلاف نیز اسامی ۱۶ کاندیدا را برای انتخابات مجلس در شهر شیراز منتشر کرده که از میان چهار فرد معرفی‌شده شورای وحدت، اسامی سه کاندیدا در لیست شورای ائتلاف نیز دیده می‌شود.

لیست‌های جدا و مشترک اصلاح‌طلبان برای چیست؟

اصلاح‌طلبان با وجود اختلافاتی که بعد از انتشار بیانیه راهبردی جبهه و بعد از آن بیانیه روزنه‌گشایی درمورد مشارکت با تحریم انتخابات داشتند و جبهه اصلاحات عملاً اعلام کرد جدای از اینکه مشارکتی در انتخابات مجلس نخواهد داشت، دیگر احزاب اصلاح‌طلب نیز نمی‌توانند تحت عنوان اصلاح‌طلب اقدام به انتشار لیست یا حمایت از لیستی دیگر کنند، با این همه اصلاح‌طلبان معتدل لیست‌های مجزایی برای شهرستان‌ها منتشر کردند. این امر را می‌توان مخالفت صریح این احزاب با موضع جبهه اصلاحات دانست. حالا مرز میان این دو طیف در میان اصلاح‌طلبان، جدی‌تر از گذشته مشخص شده است. اصلاح‌طلبان این‌طور برنامه‌ریزی کردند که حتی اگر به تعداد اندک هم شده کرسی‌هایی در مجلس تصاحب کنند و کمیسیون اقلیتی در مجلس دوازدهم شکل بدهند تا مجلس یکدستی شکل بگیرد و در تصویب و رای دادن به طرح‌ها، طیف اقلیت مجلس بتوانند تعیین‌کننده باشند. علاوه براین فضای رقابت انتخاباتی از درون جبهه اصولگرایی به رقابت میان اصلاح‌طلبان و اصولگرایان که عموماً دو نگاه متفاوت دارند، تبدیل خواهد شد و هر نامزد می‌تواند طیف مورد حمایت را با خود همراه کند. در همین راستا و با هدف پیروزی در حوزه انتخابیه شهرستان‌ها بود که بعضی از نمایندگان مثل محمدباقر نوبخت حوزه انتخابیه خود را در شهرستان انتقال دادند. مسعود پزشکیان نیز که از حوزه انتخابیه تبریز کاندیدا شده ازجمله چهره‌های شاخصی هست که در انتخابات مجلس دوازدهم از حوزه انتخابیه شهرستان‌ها وارد کارزار انتخاباتی شده و مورد حمایت احزاب اصلاح‌طلب قرار گرفته است. براین اساس نگاهی به چند شهر بزرگ و لیست‌های انتخاباتی که احزاب اصلاح‌طلب و اصولگرا منتشر کرده‌اند، انداختیم تا فضای رقابتی میان این احزاب در شهرها را نیز بررسی کنیم.

تئوری اقلیت قدرتمند جدی شد

حزب ندای ایرانیان و اعتماد ملی به ترتیب ۷۳ کرسی و ۵۴ کرسی، برای ۲۳ شهر نامزد معرفی کرده‌اند. در لیست‌های منتشر شده از جانب این دو حزب، اسامی مشترک زیادی دیده می‌شود، تا آنجا که می‌توان گفت تقریباً این دو لیست با یکدیگر مشترک هستند، اما در قالب ائتلاف مطرح نمی‌شوند که یکی از دلایل آن را می‌توان جلوگیری برای تشکیل ائتلاف تازه‌ای مقابل جبهه اصلاحات دانست. از دو لیست منتشر شده نزدیک به ۴۵ نماینده در میان آنها مشترک هستند. در واقع در مجموع لیست‌های منتشر شده از جانب این احزاب، نزدیک به ۸۰ نامزد از جانب اصلاح‌طلبان مورد حمایت قرار گرفته‌اند. رقابت اصلاح‌طلبان در ۸۰ کرسی، این گزاره را تأیید می‌کند که رقابت در حوزه‌های انتخابیه شهرستان‌ها میان گروه‌های سیاسی به صورت جدی دنبال می‌شود و تنور انتخابات در شهرستان‌ها داغ شده است؛ اگر به این آمار تعداد حدودی ۲۰ کرسی را به عنوان نمایندگان مستقلی اضافه کنیم که وارد مجلس می‌شوند می‌توانیم بگویم رقابتی داغ بر سر کسب ۱۰۰ کرسی از بهارستان وجود دارد که اگر اصلاح‌طلبان بخش زیادی از آن را در اختیار بگیرند کاملاً قدرت تشکیل یک فراکسیون اقلیت قدرتمند را دارند.

استفاده هوشمندانه از آنها دیده نشده است.

۲- اصلاحات نهادی، ابزارهای تکنیکی در بهترین شرایط قابلیت ایجاد تغییر بنیادین در میزان مشارکت و از آن مهم‌تر «تبدیل افزایش مشارکت به ارتقای حکمرانی» را ندارند. «ساختنم‌کردن سیاست» در کشور با ایجاد نهاد‌های پایدار و شناسنامه‌دار سیاسی، محور کانونی اصلاح‌نهادی انتخابات را در کشور شکل می‌دهد. بدون آن، حتی افزایش فرضی مشارکت هم یا به ظهور «پوپولیسم» می‌انجامد یا به «شورش و براندازی انتخاباتی» و خروج از چهارچوب‌های نظام حاکم منتهی می‌شود. دومین اصلاح‌نهادی از منظر نگارنده، تمرکز کانونی «حکمرانی انتخابات» در نهادی «ذاتاً سیاسی» و در عین حال «فراحزبی» و بی‌طرف است که می‌تواند در قالب تغییر ماهوی شورای نگهبان از DNA فقهی – حقوقی و کارکرد صرفاً نظارتی به یک نهاد «توسعه سیاسی» یا تأسیس نهادی جدید در مرکزیت حاکمیت شکل بگیرد. لزوم اصلاح قانون انتخابات و اجراء بازنویسی سیاست‌های کلی انتخابات هم در جمله تغییرات نهادی مفروض قابل‌ذکرند و در نهایت لایه‌انگیزه‌بخشی مشارکت، معناداری انتخاب و امید تغییر از مسیر آن است که پیش‌نیاز آن، اصلاحات نهادی در ساختارهای حکمرانی با هدف ارتقای اثربخشی و «ارزشمندی» ارکان سیاسی کشور است.

۳- تحول پارادایمی: سقف‌اثر توسعه‌های تکنیکی و اصلاحات نهادی انتخابات، بدون تحولات بنیادین در پارادایم سیاسی و حکمرانی کشور همچنان محدود خواهد ماند. بدون فهم واقعیت «تکنر سیاسی»، «تنوع اجتماعی» و پذیرش ضرورت مفهوم «نمایندگی»، همواره بخش مهمی از جامعه خود را از انعکاس در آینه انتخابات محروم می‌بینند. لازمه این تغییر پارادایمی، تغییرات هنجاری در بر ساخته‌های ارزش نظام سیاسی است که در بازه زمانی کوتاه قابل تحقق نیستند. هدف‌گیری راهبردی ارتقای «اعتماد اجتماعی» به نظام و ارکان سیاسی کشور، ازجمله دیگر پیش‌نیازهای تحول پارادایمی است که افزایش باور به کارآمدی حاکمیت در تحقق نیازهای روزمره مردم و امید به بهبود کیفیت زندگی راهم شامل می‌شوند. در مجموع این با‌داشت درصدد تأکید بر اهمیت راهبردی نهاد انتخابات در نظام حکمرانی کشور دارد و بر این باور است که تعادل فعلی ترتیبات ساختاری و آرایش نهادی کشور در مسیر اضمحلال و مرگ تدریجی نهاد انتخابات جهت‌گیری شده است. در این شرایط هر چند باتمركز مسئولیتی و به‌کمک ناوآوری‌های تکنیکی می‌توان به تغییراتی در سطح مشارکت در انتخابات امید داشت، انجام اصلاحات نهادی و در دستور گذاختن تحولات پارادایمی می‌تواند امید‌ها را به استفاده از ظرفیت‌های نهاد انتخابات در ارتقای نظام حکمرانی به تحقق نزدیک کند.